

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۷ جنوری ۲۰۲۲

آیا رابطه ای بین شورش در قزاقستان و انتقال قدرت به طالبان وجود دارد؟



نیروهای نظامی در سطح شهر آلماتی قزاقستان صبح امروز پنجشنبه

پنجشنبه - ۱۶ جدی ۱۴۰۰ - کابل: به دنبال اعتراضات مسالمت آمیزی که پنج روز قبل علیه افزایش قیمت بنزین، در شهر الماتی قزاقستان صورت گرفت، علی رغم آن که رئیس جمهور آن کشور، صدر اعظم و کابینه اش را بر طرف و افزایش قیمت بنزین را به تعلیق درآورد، عقب نشینی دولت و حاکمیت به جای آن که معترضان را راهی خانه هایشان سازد، بیشتر تحریک و تشجیع نموده، با حمله بر دواير دولتی و در بعضی از مناطق استفاده از سلاح گرم و به آتش کشیدن موتر ها و بقیه مالکیت های دولتی و حتا حمله بر میدان هوایی بین المللی الماتی و تصرف آنجا، تظاهرات مسالمت آمیز شان را به شورش مسلحانه از نوع "انقلابات رنگی" مبدل نمودند.

در یادداشت امروز خواهم کوشید با در نظر داشت ابراز نظر سخنگوی وزارت خارجه نظام ملاسالار در زمینه و تبلیغاتی که از دو روز بدین سو مقامات رسمی قزاقستان از نوعیت برخوردهای خشونتبار معترضان به راه انداخته اند، اندکی مکث نمایم:

۱- این را می دانیم که قزاقستان یکی از جمهوری های شوروی متوفا بوده از چند جهت برای فدراسیون روسیه و شخص "پوتین" دارای اهمیت می باشد: موجودیت اقلیت روس که برخی ها رقم آن را ۳۰ در صد نفوس قزاقستان می دانند، از جمع کشور های آسیای میانه طولانی ترین مرز مشترک را با روسیه دارد، ادامه فعالیت های هسته ئی روسیه فدرال در قزاقستان و استقرار پایگاه های پرتاب راکت های قاره پیما تا هنوز در آن کشور، موجودیت ذخایر عظیم نفت که می توانند به علاوه رفع مشکلات داخلی قزاقستان، ارزش صادراتی هم داشته باشند

۲- قزاقستان تحت رهبری "نظربایف" از جمله اولین کشورهای آسیای میانه در جمع بقایای شوروی متوفا بود، که مستقیماً با "بوریس یلتسین" رئیس جمهور دایم الخمر روسیه در دهه ۹۰ میلادی در تماس شده، پایه و اساس کشور "سازمان پیمان امنیت جمعی" برخاسته از شوروی متوفا را گذاشتند.

"نظربایف" از همان زمان یعنی از ۱۹۹۱ الی ۲۰۱۹ با برخورداری کامل از حمایت بقایای حزب کمونیست شوروی متوفا و مسکو، به گفته سیاستمداران با "دستان آهنین" قزاقستان را اداره نمود. به دنبال استعفاء از مقام ریاست جمهوری و انتقال قسمتی از صلاحیت هایش به رئیس جمهور بعدی (قاسم جومارت توکایف)، دور جدیدی از زندگانی سیاسی در قزاقستان آغاز یافت.

۳- در دوران حاکمیت "نظربایف" و حاکمیت مستبدانه اش نه از پیشرفت و رفاه همگانی قابل قبول خبری بود و نه هم از باز شدن فضای سیاسی و زمینه رشد "دموکراسی غربی". با انتقال قدرت به "قاسم جومارت توکایف"، نامبرده بین دو تجربه چین "تین سیائوپینگ" و روسیه "گوربچوف"، دومی را انتخاب نمود. یعنی خلاف چینی ها که با تمام قدرت با همان "دستان آهنین" از لحاظ سیاسی به حاکمیت شان ادامه دادند، مگر از لحاظ اقتصادی رشد چشم گیری را در اقتصاد آن کشور علی رغم خیانت و زیرپای نمودن ساختارها و دستاوردهای آن کشور در ساختمان سوسیالیسم، در رفاه نسبی و افزایش تولید سب گردیدند، با انتخاب روش "گوربچوف" قبل از آن که شکم مردم را سیر و تن برهنه آنها را پت کند، به امید جذب کمکهای غربی به گفته خودشان با باز نمودن فضای سیاسی، امکان ورود دموکراسی امریکائی را با تمام تخریبات استخباراتی غرب در قلمرو خود به وجود آورد.

۴- اینک وقتی یک اعتراض اقتصادی مشخص علی رغم عقب نشینی های متواتر حاکمیت ظرف دو روز به یک شوروش سیاسی بزرگ سرنگونی طلب مبدل شده است، ظاهر قضیه نشان از آن دارد که حاکمیت و شخص "قاسم جومارت" مصمم اند تا به جای آن که مشکلات زندگانی روزمره مردم را حل نمایند، جهت فرار از مسؤلیت، بر مجموع حرکت مهر "تروریستی" و "سازماندهندگان بیرونی آشوب طلب" را زده، با کشتار معترضان خود و نظامش را در قدرت حفظ نماید.

۵- آنچه در این میان می تواند چاقوی "قاسم جومارت" و بقیه سرکوبگران را دسته دهد از یک جانب حمایت تلوچی و تأیید گرانه جهان غرب از طریق "نکستا" که به منظور حمایت خیزش های مردمی در بقایای شوروی سابق و سمت دهی آنها به جانب غرب در پولند به وجود آمده، می باشد و از جانب دیگر تذکر توییتری "عبدالقهار بلخی" سخنگوی وزارت خارجه نظام "ملا سالار" که از هر دو طرف درگیری یعنی دولت قزاقستان و معترضان خواهش نموده تا مشکلات شان را از طریق مذاکره حل نمایند، جای پای تروریسم اسلامی را در آن حرکت به نمایش بگذارد.

۶- بر همین مبناست که دولت قزاقستان، ضمن آن که به مظلوم نمائی آغاز نموده و بدون آن که از تعداد تلفات معترضان حرفی بزند از تعداد کشته شدگان پولیس و نیروهای امنیتی و حتا بریدن سر دو تن از آنها نام می برد تا بر یک خیزش عادی مردم مهر دخالت های امپریالیستی و تروریستی زده، آن را با قاطعیت استبدادی سرکوب نموده به خون بکشد.

۷- تا جایی که از مطالعه روابط دولت قزاقستان با نهاد های ظاهراً غیر دولتی از قماش "خانه دموکراسی" و "NED" مگر در واقعیت دست دراز "سیا" جهت مداخله در امور کشور های دیگر بر می آید، از ۲۰۱۹ بدین طرف حدود ۲۰ "انجو" در شهر های مهم قزاقستان از طرف نهاد های یاد شده افتتاح شده است. هرچند میزان پرداخت ها و مصارف علنی این "انجو" ها در مقایسه با نفوس قزاقستان زیاد نیست، مگر با در نظر داشت سطح زندگی در قزاقستان و ارزش مبادلاتی دالر همان مقدار کم یعنی سالانه حدود یک میلیون دالر هم می تواند، حد اقل ایجاد شاخک های ابتدائی را ممکن ساخته باشد.

در همین جا بی مناسبت نیست بیفزایم که در بین نفوس قزاقستان به علاوه اقلیت نسبتاً گسترده و مقتدر روس، دو اقلیت تقریباً کوچک مگر مؤثر و دارای روابط وسیع بین المللی دیگر، یکی المانی ها و دیگری ترکها نیز وجود دارند که در تمام مدت از کمکهای گسترده کشورهای المان و ترکیه نیز برخوردار بوده اند.

۸- آنچه در این میان تا حدودی همکاری مشترک طالب و نهاد های استخباراتی غرب را می رساند، نوعیت ادامه مبارزه معترضان با دولت قزاقستان می باشد. چه در حالی که تاریخ وقایع کشورهائی که در آنها به اصطلاح "انقلابات رنگین" به راه افتاده نشان می دهد، شیوه عملکرد آن اعتراضات برای مدتها مسالمت آمیز باقی مانده، ضمن آن که از طریق تحسن ها تقریباً نیروهای دولتی را از پای انداخته اند، جهت سقوط حاکمیت خشونت را در فرجام کار و بعد از استیصال حاکمیت و جذب اکثریت مردم به طرف خود، به کار گرفته اند.

در حالی که در حرکت کنونی در قزاقستان، معترضان قبل از آن که تفت برسد جوش آمده، تا حدودی بسیار سازمانیافته و فوق العاده خشن دست به عمل زده اند. این روش اگر از یک سو، فاصله شورش را با نوع "انقلابات رنگین" نشان می دهد از جانب دیگر رد پای نفوذ تروریست های اسلام سیاسی را به نمایش می گذارد. مگر این که حاکمیت خود آگاهانه جهت سرکوب یک اعتراض عادی این جای پای را گذاشته باشد تا به همان بهانه اعتراض را قلع و قمع نماید.

۹- یک نیروی دیگری که بالقوه می تواند چنین شورش های مسلحانه ای را سازمان دهد و در جهت سرنگونی قهری دولت حرکت نماید، بقایای حزب کمونیست بلشویک شوروی سابق که امروز به نام حزب کمونیست قزاقستان مسماست، می باشد. منتها اینها متوجه هستند که هر نوع خیزش منفردانه آنها در این ویا آن کشور "عضو پیمان" نه تنها بدون دریافت کدام کمکی در سطح بین المللی از جانب بقیه کشورهای عضو پیمان به خصوص روسیه بشدت سرکوب خواهند شد، بلکه در صورت احتمال ناچیز پیروزی نیز، عملکرد آنها به نفع امپریالیسم امریکا خواهد انجامید.

۱۰- این که نیروهای غربی اگر در آغاز اعتراض دخالتی هم نداشته اند، مگر در انحراف آن به درگیری سهمی گرفته باشند، می تواند قابل باور باشد، مگر این که طالب قبل از آن که ایزار بند خودش را محکم ببندد به نیزه بازی آغاز و با فرستادن تروریستان قزاقستانی به آن کشور، عملیاتش را آغاز نموده باشد، بحثی است قابل تأمل که می توان چگونگی و عواقب آن را برای افغانستان و منطقه در نوشته های بعدی به بحث گرفت. عجالتاً همینقدر می توان نوشت که اگر در مسأله پای دخالت طالب در میان باشد، طالب بزرگترین حماقت تاریخی خود را مرتکب شده است.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!